■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی

جام جم

■ شاپا: ISSN۱۷۳۵-۳۶۳۷
■ پایگاه اطلاع رسانی: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰-۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۲۰۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰
■ شماره پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: چاپخانه روزنامه جام جم

سه‌شنبه ۱۸ شهریور ۱۳۹۹ | ۱۹ محرم ۱۴۴۲ | ۲۰ صفحه | سال بیست و یکم - شماره ۵۷۵۰ | استان تهران و البرز ۲۵۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۵۰۰ تومان | Tuesday-September 8,2020

حدیث روز: بحارالانوار

امام حسن (ع): کسی که عقل ندارد، ادب ندارد و کسی که همت ندارد، جوانمردی ندارد و کسی که دین ندارد، حیا ندارد.

پلک احساس: عطار

چه گوهری تو که در عرصه دو کون نگنجی
همه جهان ز تو پر گشت و تو برون ز جهانی

امروز در تاریخ:

- آغاز جنگ‌های خیابانی بین قزاق‌ها و طرفداران شیخ محمد خیابانی (۱۲۹۹ ش)
- تحریم ایران از سوی دولت انگلستان به دلیل ملی شدن صنعت نفت (۱۳۳۰ ش)
- درگذشت جلال آل احمد، نویسنده (۱۳۴۸ ش)
- درگذشت علینقی وزیری؛ نوازنده تار و آهنگساز (۱۳۵۸ ش)
- ترور احمد شاه مسعود رهبر تاجیک‌های افغانستان (۱۳۸۰ ش)

اوقات شرعی:

اذان ظهر: ۱۳/۰۲ — غروب آفتاب: ۱۹/۲۱
اذان مغرب: ۱۹/۴۰ — نیمه‌شب شرعی: ۰۰/۱۹
اذان صبح (فردا): ۵/۱۷ — طلوع خورشید (فردا): ۶/۴۳

پیش‌بینی آب و هوا سه‌شنبه

تهران	اهواز	اصفهان	بندرعباس	رشت	شیراز	سمنان	کرمان
۳۵ / ۲۳	۴۶ / ۲۵	۳۵ / ۱۶	۳۹ / ۲۸	۲۹ / ۱۹	۳۶ / ۱۸	۳۵ / ۲۳	۳۲ / ۱۳

حکمت ۳۲: نهج‌البلاغه

کننده کار نیکو از نیکی بهتر و کننده کار بد از بدی، بدتر است (زیرا کار بستگی به کننده آن ندارد؛ پس کننده از کار برتر است).

تلنگر

مراسم هفتم عباس‌آقا

علیرضا رأفتی
روزنامه‌نگار

ملك‌المتکلمین که از منبر پایین آمد عن‌قریب بود که ملت مستمع از همان‌جا هجوم ببرند سمت کاخ قاجاری و محمدعلی‌شاه را بیرون بکشند و در دم بکشند. شاهدان عینی نوشته‌اند طوری خون‌شان به جوش آمده بود که حتم داشتیم دست به کاری عظیم می‌زنند حتی اگر دست‌شان به خرخره شاه نرسد. ملك‌المتکلمین که از منبر مراسم هفتم عباس‌آقا، صراف آذربایجانی پایین آمد به عباس‌آقا لقب منجی ایران دادند.

ملك‌المتکلمین، از وعاظ رده اول تهران بود که نطق گیرا و کلام تندی داشت. مشروطه‌خواه بود و هواخواه مردم. عاقبت هم همین داعیه‌ها و خطابه‌های انتقادی سرش را بر باد داد. یوم‌التوپ که قوای روسی ریخته بودند میدان بهارستان و محمدعلی‌شاه دستور به توپ بستن مجلس را داده بود، عده‌ای را کت‌بسته به باغ‌شاه بردند و به شکل‌های فجیعی کشتند. یکی از آن تن‌های مثله‌شده باغ‌شاه همین ملك‌المتکلمین بود.

القصه، این نوبت روی یادداشت با ملك‌المتکلمین نیست. هرچند سزاست که روزی در همین مجال ۵۰۰ کلمه‌ای به او بپردازیم، اما نمطی که برای سه‌شنبه‌های این قسمت از روزنامه جام‌جم انتخاب کرده‌ایم، پرداختن به یکی از وقایع تاریخی هفته است و این هفته می‌خواهیم ۱۵ شهریور ۱۲۸۶ را با هم بگذرانیم. جایی در تهران. بالای سر مزار عباس‌آقا تبریزی در مراسم هفتمش.

۸ شهریور بود که عباس‌آقا تبریزی ساعت ۲ بامداد به ضرب سه گلوله تپانچه سینه میرزا علی‌اصغر اتابك را شکافت. اتابك با یکی از نمایندگان از ساختمان مجلس زده بودند بیرون که عباس‌آقا از کمین درآمد و شلیك کرد و نوشته‌اند که اتابك در دم به زمین افتاد و جان‌داد.

عباس‌آقا هم میدان بهارستان را به طرف جنوب خیابان فرار کرد و دست‌آخر وقتی در محله سرچشمه (کمی پایین‌تر از بهارستان) در محاصره نیروهای حکومتی گیر افتاد به ضرب همان تپانچه خودکشی کرد. وقتی لباسش را گشتند از جیبش یك کارت عضویت بیرون آوردند که رویش نوشته بود: «عباس‌آقا صراف آذربایجانی عضو انجمن نمره ۴۱ فدایی ملت».

بعدها قصه‌های زیادی از این انجمن بر سر زبان مردم افتاد اما سندی در تاریخ از آن به دست نیامد. یکی می‌گفت این انجمن ایرانی در باکو مرکز دارد و برای آزادی ایران و حمایت از مشروطه کار می‌کند و برای قتل اتابك هم قرعه انداخته بودند و به نام نمره ۴۱، عباس‌آقا تبریزی درآمده بود. دیگری می‌گفت این خرافات چیست؟ کدام انجمن؟ عباس‌آقا این کارت جعلی را در جیبش گذاشته بوده که فقط خیانتکارهای بعدی را بترساند و بگوید چه سرنوشتی منتظرشان است.

خلاصه هیچ‌وقت ماهیت این انجمن مشخص نشد. من قصد ندارم از محاسن عباس‌آقا و معایب اتابك بگویم یا حتی عملش را تایید کنم. فقط خواستم این واقعه مهم را متذکر شوم که کارد به کجای استخوان ملت می‌رسد که یك هفته بعد عباس‌آقا را منجی ایران می‌خوانند!

اتابك اعظم در دوران سه شاه قاجار صدارت داشت و در این چند ده سال به اندازه چند صد سال امتیاز به بیگانگان داد! او حتی برای سفرهای فرنگ ناصرالدین‌شاه از روسیه پول قرض می‌گرفت و بازگشتش را از منابع طبیعی کشور می‌داد.

گفت‌وگو با سجاد سالاروند درباره موفقیت‌هایش در دوران معلولیت

برای شناختنم با من بدو

طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار

بعضی‌ها به دنیا می‌آیند تا برنده باشند، اصلا هم شرایط برایشان اهمیتی ندارد. این جور آدم‌ها بیشتر از این‌که به عوامل بیرونی تکیه کنند روی توانمندی‌های خودشان حساب باز کرده و روز به روز آنها را گسترده‌تر و عمیق‌تر می‌کنند. آنها بر این باورند که شاید نتوانند دنیای بیرون را کنترل یا تغییر دهند اما خودشان را می‌توانند در مسیر رشد و موفقیت قرار دهند حتی اگر معلول جسمی باشند و در جامعه‌ای زندگی کنند که معلولیت واقعا محدودیت است و حتی شرایط زندگی عادی راحت نیست چه برسد به این‌که آنها تصمیم بگیرند به فردی فوق موفق تبدیل شوند. امروزه به این آدم‌ها «ابرانسان» می‌گویند و دیروز، روز جهانی ابرانسان‌ها بود. آدم‌های معلولی که آنچنان به قله‌های موفقیت دست پیدا می‌کنند که همه را شگفت‌زده می‌کنند. سجاد سالاروند یکی از این آدم‌هاست. متولد سال ۶۱ در دورود لرستان. کوهنورد بوده که در یک تصادف هر دو پایش از زانو را از دست می‌دهد، اما او با پای مصنوعی و پروتز به یکی از قهرمانان دوومیدانی، صخره‌نوردی و کوهنوردی تبدیل می‌شود و اکنون تنها خلبان پاراگلایدر ایرانی است که با دو پای مصنوعی پرواز می‌کند. با او هم‌صحبت شدم تا از مسیری که طی می‌کند برایمان بگوید.

گویا آن‌قدر عاشق ماجراجویی و رقابت هستید که هیچ مانعی حتی معلولیت نمی‌تواند شما را متوقف کند؟

از بچگی عاشق هیجان بودم و کارهایی می‌کردم که آدرنالین خونم بالا برود. ریسک‌پذیر بودم و دوست داشتم به همه آرزوها و رویاهایم برسم. ریسک‌پذیری و شجاعت باعث می‌شود هیچ مانعی متوقفت نکند. در دوره کرونا که بسیاری از ورزش‌ها متوقف شد من در رشته پاراگلایدر فعالیتم را آغاز کردم و خیلی زود توانستم به این رشته مسلط شوم. عاشق گردش آدرنالین در خونم هستم وقتی در ارتفاع اوج می‌گیرم. وقتی از کوه و صخره بالا می‌روم و به اوج قله می‌رسم چنان هیجان‌زده می‌شوم که دوست دارم همه قله‌های بلند دنیا را فتح کنم.

موج آدرنالین و گردش آن در خون، برخی مثل شما را تبدیل به قهرمان می‌کند و برخی را هم به کارهای حاشیه‌ای و گاهی خلاف می‌کشاند. چگونه می‌توان هیجان را در مسیر درست مدیریت کرد؟

خیلی باید حواسمان به آدم‌های آدرنالینی باشد. یکی از آنها می‌شود، قهرمان اتومبیلرانی چون هیجان و استعداد و خواسته‌اش در مسیر درست هدایت می‌شود و یکی می‌شود بدترین راننده‌ای که تصور می‌کند کوچه و خیابان و بزرگراه‌ها جای سرعت و لایی کشیدن است. او همان آدم هیجانی است که تبدیل می‌شود به راننده بی‌احتیاطی که گاهی تصادفات وحشتناکی را هم رقم می‌زند، مثل همان راننده‌ای که با من تصادف کرد و باعث شد هر دو پایم را از دست بدهم. خانواده خیلی موثرند در شناسایی بچه‌های آدرنالینی و هیجانی. بعضی به آن می‌گویند کشف استعداد. بچه‌هایی سرشار از هیجان و از همان نگاه اول می‌توان فهمید که اگر درست راهنمایی شوند، می‌توانند مثلا وارد مسابقات رانندگی شوند یا مسابقات ورزشی دیگر که به هیجان و ریسک‌پذیری نیاز دارد، اما اگر این کودکان شناسایی نشوند یا زیر عنوان‌هایی مانند بیش‌فعال قرار گیرند و با دارو آرام شوند، عمر و استعدادشان هدر می‌رود یا به مسیر اشتباه می‌افتد. شناسایی استعداد و توانمندی بچه‌ها هم در خانه و هم در مدرسه و باشگاه‌های ورزشی خیلی مهم است که متاسفانه در کشور ما این موضوع زیاد جدی گرفته نمی‌شود.

ریسک‌پذیری و قهرمان شدن به انگیزه‌های شخصی هم بستگی دارد؟

دقیقا! برخی از من می‌پرسند، چطوری این همه انگیزه پیدا کرده‌ای؟ این سؤال مرا متعجب می‌کند. انگیزه به صورت ژنتیک منتقل نمی‌شود. رویاپردازی و رسیدن به خواسته‌ها ایجاد انگیزه می‌کند. این‌که از کودکی رویاهای بزرگی داشته باشی و تلاش کنی آنها را از دنیای خیال به دنیای واقعی بیاوری. به این می‌گویند انگیزه. خانم انوشه انصاری وقتی بچه بود به پدر و مادرش گفته بود یک روز من به فضا می‌روم. آن روز کسی این حرف و رویای او را جدی نگرفت، اما خانم انصاری به فضا رفت. انگیزه به خودی خود وجود ندارد. اول باید رویا داشته باشی بعد اقدام کنی، شروع که کنی نتیجه تلاشت را که ببینی کم‌کم انگیزه در تو قوی می‌شود.

در این مسیر انضباط شخصی کجا قرار دارد؟

یکی از مهم‌ترین راه‌های پیش‌برنده، انضباط شخصی و سخت‌گرفتن به خودت است. مساله این است که عموم مردم معمولا آدم‌های موفق را زمانی می‌بینند که او روی سکو ایستاده و مدال گرفته. وقتی قهرمان می‌شود، همه او را می‌بینند، اما مسیر او را نگاه نمی‌کنند؛ راهی که با همه فرازوفرود طی کرده، بارها زمین خورده، شرایط مالی بسیار بد را تجربه کرده اما ناامید نشده و به راهش ادامه داده. اگر می‌خواهید ریشه انگیزه‌های افراد موفق را پیدا کنید، اگر می‌خواهید بدانید یک قهرمان چگونه به سکوی قهرمانی رسیده باید مسافتی را با او بدوید تا ببینید او چه مسیری را و چگونه طی کرده است. من برای رسیدن به رویاهایم چشم‌هایم را به روی بیشتر دلخوشی‌ها و خوشگذرانی‌های روزانه بسته‌ام. شب‌ها ساعت ۱۰ باید بخوابم تا بتوانم صبح زود بیدار شوم. نمی‌توانم صبح‌ها تا دیروقت بخوابم چون زمانم را از دست می‌دهم. زمان گرانبهاترین نعمتی است که خدا به ما داده و باید قدر آن را بدانیم و برای تک‌تک لحظه‌هایش برنامه‌ریزی کنیم. زمانی که من تمرین‌هایم را شروع کرده بودم همزمان سرکار هم می‌رفتم. ساک باشگاهم را کنار در می‌گذاشتم، از سرکار که می‌آمدم هرچند خیلی خسته بودم اما ساک را که می‌دیدم به خودم می‌گفتم باید بروم باشگاه و تمرین کنم.

پس می‌توان به آنهایی که تصور می‌کنند زندگی ساده است و به راحتی می‌توان به قهرمانی در هر رشته و خواسته‌ای رسید، گفت شرایط زندگی بسیار سخت است؟

بله. آنهایی که در شبکه‌های اجتماعی می‌نویسند که یک هفته‌ای پولدار شوید یا ۱۰ روزه لاغر شوید و... یک عده کلاش و دزد هستند. هیچ راه موفقیتی یک شبه و یک ماه و یک ساله به دست نمی‌آید. اینها فقط طمع انسان‌های ساده را قلقلک داده و آنها را راحت‌طلبی عادت می‌دهند و زمانی که آن افراد به وعده‌هایی که به آنها داده شده، نمی‌رسند از کل زندگی ناامید می‌شوند و با نگاهی بدبینانه درجا می‌زنند. باید آهسته و پیوسته و با برنامه پیش رفت و باید بدانی قرار است به کجا برسی و نقشه راه لازم داری. وقتی نقشه داشته باشی و اقدام و حرکت را شروع کنی، پله‌پله موفق می‌شوی و همین در تو ایجاد انگیزه می‌کند. برای قهرمان کشوری شدن، اول باید از قهرمان شدن در محله و شهر و استان شروع کرد تا وارد مرحله کشوری شد و بعد برای قهرمانی جهان برنامه‌ریزی کرد. همه چیز برنامه می‌خواهد و پشتکار و انگیزه و موفقیت به دنبال اینها می‌آید.

سالاروند در حال تمرین برای شرکت در مسابقات پاراآسیایی / عکس‌ها: فارس

کافه میرداماد

تنهایی دونده دوی سرعت

این روزها خودم را برای شرکت در مسابقات دوومیدانی پاراآسیایی آماده می‌کنم و بعد برای پارآلمپیک، در رده دوومیدانی سرعت. در ایران رقیب ندارم اما در آسیا و اروپا چند رقیب دارم. این را هم بگویم که پروتزهایی که برای دویدن برای مسابقات سرعت نیاز دارم باید از خارج وارد می‌شد که بسیار گران بود اما یک شرکت دانش‌بنیان داخلی مشابه آنها را برایم ساخت که همین جا باید از آقای مهندس مقاره عابد تشکر کنم. این را هم بگویم که ۱۴ ماه بعد از تصادف، قله دماوند را در یک‌ونیم روز صعود کردم. سومین کوهنورد حرفه‌ای معلول جهانم و عضو خانواده رکورداران ایران هستم. بعد از بالا رفتن از برج میلاد در مسابقات پله‌نوردی که مدال طلای این مسابقات را دریافت کردم به قله آرارات (بام ترکیه) هم صعود کردم و تنها فرد معلول جهانم که این کار را انجام داده‌ام. در جشنواره جهانی سنگ‌نوردی شرکت کردم و هفتصد متر دیواره را بالا رفتم. همه قله‌های بلند کشورمان را هم صعود کرده‌ام و...

مقطع حساس کنونی

ماجرای مرد پرسروصدا و حکیم ساکت

امید مهدی‌نژاد
طنزنویس

پس از آن‌که طغرل‌بیك، مؤسس سلسله سلجوقی پس از شکست‌دادن سلطان مسعود غزنوی در سال ۴۳۴ ری را فتح کرد، دستور داد افراد سلجوقی روی آثار به‌جامانده از دوره غزنوی دوغاب بپاشند و آثار به‌جامانده از سلسله سلجوقی را بناکنند.

روزی تنی چند از افراد سلجوقی که مشغول بناکردن یکی از آثار به‌جامانده از دوره سلجوقی بودند، در حین کار ناگهان صدای مردی را شنیدند که فریاد می‌زد: درود بر سلطان محمود غزنوی، درود بر سلطان مسعود غزنوی، درود بر سایر سلاطین غزنوی. افراد سلجوقی که عصبانی شده بودند کار را رها کردند و رد صدا را گرفتند تا در ته کوچه‌ای بن‌بست به خانه‌ای رسیدند و مردی را دیدند که با حالتی سراسیمه دم در منزل ایستاده بود.

مرد با دیدن افراد سلجوقی فریاد زد: مرگ بر سلطان محمود غزنوی، مرگ بر سلطان مسعود غزنوی، مرگ بر سایر سلاطین غزنوی. افراد سلجوقی که خنده‌شان گرفته بود و گفتند: ای مرد، دیوانه‌ای چیزی هستی؟ مرد گفت: خیر. افراد سلجوقی گفتند: پس چته؟

مرد گفت: دو نفر دزد به خانه من آمده بودند و قصد غارت داشتند. افراد سلجوقی گفتند: چه ربطی دارد؟ چرا شعار سیاسی می‌دادی؟ مرد گفت: برای این‌که جور دیگری نمی‌توانستم شما را به اینجا بکشانم که مرا نجات دهید.

افراد سلجوقی بار دیگر خنده کردند و گفتند: ای کلك. آنها افزودند: حالا دزدها کجا رفتند؟ مرد گفت: پس از سردادن شعارهای سیاسی توسط من آب شدند و داخل زمین فرو رفتند. وی سپس زمین را که خیس بود به افراد سلجوقی نشان داد. در این هنگام حکیمی که از سر کوچه می‌گذشت و شاهد ماجرا بود، نگاهی به مرد و نگاهی به افراد سلجوقی و نگاهی به زمین خیس کرد و بدون این‌که چیزی بگوید به راه خود ادامه داد و از این ماجرا هیچ نتیجه عرفانی و حکمت‌آموزی نگرفت.

محصول مطالبه‌گری

علی رئوف

چندی پیش بود که ویدئوهایی از مشکلات مردم غیزانیه در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شد. نمی‌توان گفت دوربین موبایل در نقش آینه عمل می‌کند و عینا هر آنچه هست را به جماعت بی‌خبر منعکس می‌کند، اما هر چه باشد، هر قدر از واقعیت را که منعکس کند، حتی اگر این آینه مقعر یا محدب باشد، واقعیت را کوچك‌تر یا بزرگ‌تر بازتاب دهد، باز هم این انعکاس اتفاق مهمی است. پس از آن‌که این ویدئوها دست به دست شدند، انتقادها و اعتراض‌ها دست به دست دادند و مطالبه‌گری آغاز شد. حالا در ۱۷ شهریور ۹۹ دو فاز از طرح آبرسانی به غیزانیه به بهره‌برداری رسیده است. شاید این عکس‌ها و شادی مردم غیزانیه از رفع مشکل آب، دلیل روشنی باشد بر این که رسانه یکی از سالم‌ترین و سریع‌ترین راه‌های مطالبه‌گری عمومی است.

بررسد

عکس: تسنیم

آن فیل به طبیعت برگشت

فیلی که در شرایط وحشتناک باغ‌وحشی در پاکستان زندگی می‌کند، سرانجام بختی برای زندگی بهتر خواهد داشت. این خبر را یک گروه رفاه حیوانات که ترتیب انتقال فیل را داده است، اعلام کرد. به گزارش فرارو، کاوان که از سوی مدافعان حقوق حیوانات، تنهاترین فیل دنیا لقب گرفته، بیش از ۳۰ سال در باغ‌وحش بدنام مرغزار در پاکستان زندگی کرده است. تا چهار سال پیش که توجه کنشگران از جمله یک خواننده آمریکایی را جلب کرد و فشار برای تغییر شرایط زندگی او آغاز شد.

مارتین باوئر، سخنگوی کارزار رفاه حیوانات گفت، کاوان سرانجام مجوز پزشکی برای سفر را به دست آورده است و به احتمال زیاد به منطقه حفاظت شده‌ای در کامبوج منتقل خواهد شد که در کنار همنوعان خود و در شرایط بهتری خواهد بود. دکتر امیر خلیل، دامپزشک عضو این سازمان گفت: به دلیل سوءتغذیه و نبود تحرک جسمی، کاوان نشانه‌های روشنی از اضافه وزن دارد. ناخن‌هایش هم ترک خورده و تغییر شکل داده که می‌تواند به دلیل نامناسب بودن کف و ساختمان زیستگاهش باشد.

آتش کالیفرنیا خاموش نمی‌شود

آتش‌سوزی در کالیفرنیا در سال جاری رکورد بی‌سابقه‌ای برجای گذاشته به‌طوری‌که تاکنون حدود ۸۰۹ هزار هکتار از اراضی این ایالت در آتش سوخته؛ پهنه‌ای که به اندازه ۱۰ برابر شهر نیویورک گزارش شده است. به گزارش شبکه خبری سی‌ان‌ان، آتش‌سوزی کریک باعث شد بیش از ۲۰۰ نفر از افرادی که به پارک ملی جنگلی سیرا سفر کرده بودند، به علت بسته شدن تنها راه خروجی به دلیل شدت آتش‌سوزی، با مداخله گارد ملی به‌وسیله بالگرد از محل نجات یابند. شدت آتش‌سوزی در ایالت کالیفرنیا به اندازه‌ای بوده که در تصاویر ماهواره‌ای به‌خوبی دیده شده و ارتفاع دود حاصل از این آتش‌سوزی به ۹ مایل رسیده است. این آتش‌سوزی که از اواخر روز جمعه گذشته در بخش جنوبی پارک ملی جنگلی یوسمایت آغاز شده بود تا روز شنبه ۳۶ هزار هکتار از اراضی این منطقه را طعمه حریق کرد اما با ادامه آتش‌سوزی، وسعت آن به ۴۵ هزار هکتار رسید.